

سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران: چشم‌انداز، اهداف و سیاست‌های پیشنهادی^۱

کاووس سیدامامی*
حمید هوشنگی**

E-mail: kemami@hotmail.com
E-mail: houshang2@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

چکیده

تنوع قومی یک پدیده فراگیر و جهان‌شمول است و هر کشوری از یک‌سو براساس اهداف و رویکردهای نظام سیاسی و از سوی دیگر مدل تنوع قومی موجود در جامعه اقدام به طراحی سیاست برای مدیریت تنوع قومی کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهای دارای تنوع قومی است و براساس نوع نگاه به مقوله تنوع قومی و با عنایت به ویژگی‌های این تنوع اقدام به سیاست‌گذاری کرده است. ضمن بررسی و نقد رویکردهای موجود به سیاست‌گذاری قومی، نویسندگان تلاش کرده‌اند با توجه به رویکرد فرصت‌محور جمهوری اسلامی ایران به تنوع قومی، اهداف و چشم‌اندازهای سیاست‌گذاری تنوع قومی را با استناد به سخنان رهبران انقلاب و اسناد بالادستی استخراج و براساس آن سیاست‌هایی برای مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد نمایند. روش تحقیق در این مقاله ترکیبی از روش‌های اسنادی، بررسی منابع و پژوهش‌های موجود، تشکیل پنل نخبگانی، مصاحبه با نخبگان و استفاده از تجربیات نویسندگان است.

کلید واژه‌ها: سیاست‌گذاری قومی، تنوع قومی، جمهوری اسلامی ایران.

۱. مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «سیاست‌گذاری عادلانه مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران» در دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۹۴ می‌باشد.

* استاد علوم سیاسی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، نویسنده مسئول

مقدمه و طرح مسأله

امروزه بیشتر کشورهای جهان از لحاظ ترکیب گروه‌های زبانی، مذهبی و قومی در وضعیت ناهمگن و متنوعی به سر می‌برند، و تنها در ۱۴ کشور جهان اقلیت قابل توجهی وجود ندارد و در این میان فقط ۴ درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که تنها دارای یک گروه قومی هستند (کریمی، ۱۳۸۷: ۳). تنوع قومی در کشورها سؤالات اساسی را درباره نحوه پاسخگویی به مسائل ناشی از این تنوع مطرح ساخته است. حکومت‌ها نیز با رویکردهای مختلف، سیاست‌هایی را برای مدیریت راهبردی تنوع در راستای منافع خود طراحی و اجرا کرده‌اند. در هر یک از این الگوها از یک سو اهداف و رویکردهای نظام سیاسی و از سوی دیگر مدل تنوع موجود در جامعه، نقش اساسی را ایفا می‌کند و منجر به شکل‌گیری سیاست قومی مشخص و مختص به آن نظام سیاسی می‌شود.

کشور ایران نیز از جمله کشورهایی به شمار می‌رود که سیاست متنوعی را در دوره‌های مختلف تجربه کرده است. با عنایت به این‌که اولاً بر اساس رویکردها و سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و سیاست‌های کلان نظام، تنوع در ایران فرصت است و ثانیاً مسأله تنوع یکی از بسترهای بهره‌گیری نخبگان قومی و کشورهای معارض برای فشار به حکومت‌های ایران در دوره معاصر بوده و هست، توجه به مسأله تنوع در ایران اهمیت بالایی دارد. بنابراین تدوین سیاست متناسب، به روز و کارآمد، علاوه بر فراهم ساختن امکان بهره‌گیری از فرصت تنوع برای توسعه همه‌جانبه کشور، برای به حداقل رساندن آسیب‌ها و تهدیدهای احتمالی، امری ضروری است. از سوی دیگر در فرآیند سیاست‌گذاری نمی‌توان از الگویی کاملاً منطبق بر الگوهای رایج سیاست قومی در کشورهای دیگر استفاده کرد، بلکه لازم است با بهره‌گیری از تجربیات سازنده و مثبت سایر کشورهای دارای تنوع از یک سو و شناخت واقعیات فرهنگی و اجتماعی، پیشینه تاریخی ایران و تنوع از سوی دیگر، سیاستی متناسب با اقتضائات فرهنگی، تاریخی، سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران را طراحی کرد. این مقاله تلاش دارد ضمن بررسی مسأله تنوع قومی در نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌هایی را برای بهره‌گیری از فرصت تنوع، به حداقل رساندن زمینه‌ها و بسترهای بروز بحران‌ها و منازعات قوم‌پایه و در نتیجه تقویت هویت و همبستگی ملی پیشنهاد دهد. برای رسیدن به این هدف، باید به چند سؤال پاسخ داد:

- چشم‌اندازها و اهداف جمهوری اسلامی ایران در حوزه تنوع قومی چیست؟

- اهم سیاست‌های پیشنهادی برای مدیریت تنوع قومی و رسیدن به این اهداف و چشم‌اندازها چیست؟

چون یکی از ویژگی‌های تنوع قومی در ایران وجود تنوع مذهبی است، بنابراین در این مقاله همزمان به تنوع قومی و مذهبی توجه شده است.

طرح مسأله تنوع قومی در ایران

نقطه آغاز در سیاست‌گذاری، تعریف مسأله است. اگر مسأله به خوبی تعریف نشود، سیاست‌گذاری با خطای راهبردی مواجه خواهد شد (دان، ۲۰۱۲: ۶۸). مسأله تنوع قومی از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته و هر رویکردی بر اساس مبانی فکری خود، تعریفی از مسأله تنوع در ایران ارائه کرده است. در یک طرح مسأله، تنوع قومی در ایران به مثابه مسأله ملیت‌ها یا اقلیت‌ها دیده شده است. ریشه این تعریف مسأله از یک سو در رویکردهای چپ‌گرایانه و مارکسیستی و از سوی دیگر در تعمیم‌های جهانشمول مطالعات صورت گرفته در باب مسائل قومی در کشورهای غربی به جوامع خاورمیانه به طور عام و ایران به طور خاص قرار دارد. در این طرح مسأله، چون اقوام ایرانی، ملیت و اقلیت محسوب می‌شوند، قوانین و قواعد حاکم بر جوامع دارای اقلیت‌ها بر تنوع قومی در ایران حاکم است (ن.ک: کهنه‌پوشی، ۱۳۸۳). در طرح مسأله دیگر تنوع قومی در ایران به مثابه تهدید امنیت ملی است. در این طرح مسأله، تنوع قومی در ایران یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی و اجتماعی کشور محسوب می‌شود که ظرفیت فزاینده‌ای را برای تبدیل به یک بحران امنیتی دارا است. استدلال این رویکرد از نظر تاریخی به بروز بحران در مناطق دارای تنوع قومی در دوره پهلوی و سال‌های آغازین پیروزی انقلاب اسلامی ایران باز می‌گردد. در این طرح مسأله عوامل متعددی باعث شده است، تنوع قومی در ایران به یک تهدید برای امنیت ملی به شمار برود. جریان‌های ناسیونالیستی افراطی یکی از جریان‌هایی هستند که تنوع قومی در ایران را تهدیدی برای ناسیونالیسم ایرانی می‌دانند. طرح مسأله سوم ضعف همبستگی ملی را مسأله تنوع در ایران معرفی می‌کند. در این طرح مسأله که تنوع در ایران به مثابه تهدید محسوب نمی‌شود، مهم‌ترین ویژگی مسأله تنوع قومی در ایران، ضعف همدلی، وفاق و همبستگی اجتماعی و فرهنگی میان اقوام با یکدیگر و حکومت است. در این طرح مسأله، افراد پایبند به ارزش‌ها و هنجارهای خاص‌گرایانه قومی خود هستند و در زندگی و فعالیت‌های روزمره، مصالح و منافع قومی و محلی خود را بر مصالح و منافع

ملی و عمومی جامعه ترجیح می‌دهند. این روند در صورت تداوم می‌تواند به بروز بحران‌های خشونت‌آمیز قومی تبدیل شود (ن.ک: حاجیانی، ۱۳۹۰ و زندی، ۱۳۸۰). در طرح مسأله چهارم تنوع قومی در ایران به مثابه فرصت و ظرفیت مورد توجه قرار دارد. این طرح مسأله برگرفته از روح حاکم بر رویکرد اسلام، رهبران انقلاب اسلامی، اسناد بالادستی و ویژگی‌های حقیقی تنوع در ایران است. در این طرح مسأله، تنوع در ایران به مثابه فرصت و ظرفیت که علاوه بر تولید امنیت، رفع بسترهای تهدید و ضعف همبستگی ملی، امکان بهره‌گیری از تنوع قومی برای نیل به اهداف نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سه سطح محلی، ملی و فراملی را فراهم می‌سازد. این طرح مسأله به معنای نفی واقعیت‌های موجود در حوزه تنوع قومی در ایران مانند مسأله تضعیف وفاق و همبستگی ملی نیست بلکه این طرح مسأله حقیقت تنوع در ایران است که باید در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای تحقق کامل آن طراحی و برنامه‌ریزی کرد. به عبارت دیگر برای رسیدن به وضعیتی که تنوع قومی برای جمهوری اسلامی ایران نه تنها مسأله نباشد بلکه از ظرفیت و فرصت آن برای رسیدن به اهداف خود بهره‌برداری کند، باید با رویکرد فرصتی به این مقوله توجه داشت. این رویکرد ممکن نیست مگر این‌که به جای اتخاذ رویکرد تدافعی در قبال مشکلات، آسیب‌ها و تهدیدها موجود و تلاش برای رفع آنان، رویکرد رو به جلو و آفندی اتخاذ شود تا در این حرکت رو به جلو آسیب‌ها و تهدیدها برطرف و طراحی برای رسیدن به هدف اصلی سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرد. بررسی اجمالی ادبیات دینی نیز نشان می‌دهد مسأله تنوع به‌عنوان یک امر طبیعی مورد توجه دین اسلام بوده است به نحوی که قرآن، آن را به‌عنوان آیت الهی معرفی کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم، ۲۲). از سوی دیگر اسلام ضمن پذیرش تنوع، برتری و امتیاز افراد بر اساس قومیت، زبان و نژاد خاصی را رد می‌کند و تقوا را ملاک برتری افراد بر یکدیگر معرفی و آحاد انسان‌ها را فارغ از تعلق ایشان به قومیت، نژاد و فرهنگ، به همگرایی حول نقاط مشترک دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳). از سوی دیگر رویکرد رهبران نظام جمهوری اسلامی ایران و اسناد بالادستی نیز به تنوع دارای ابعاد گوناگونی است اما دو بعد پذیرش اصل تنوع و فرصت دانستن آن از مهم‌ترین ابعاد این رویکرد هستند. به طور نمونه رهبر معظم انقلاب برگرفته از آموزه‌های دینی، اصل تنوع

را پذیرفته و آن را فرصتی برای نظام محسوب و جزئی از هویت ملی معرفی می‌کند: «معمولاً در کشورهای مختلف تعدد اقوام و قومیت‌ها یکی از نگرانی‌های آنهاست؛ در کشور ما به عکس است» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار بسیجیان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴). «تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار برگزیدگان استان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۴). «سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزاء گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند. با مراودات درست و با همزیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسأله تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبان‌های مختلف - ولو از ملت‌های گوناگون - تفاوتی نیست، چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لذاست ما به منطقه کُردی - استان کردستان - و مناطق اقوام دیگر، با نگاه اسلامی نگاه می‌کنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم استان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲).

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از روش‌های اسنادی، بررسی منابع و پژوهش‌های موجود، تشکیل پنل نخبگانی، مصاحبه با نخبگان و استفاده از تجربیات محقق خواهد بود. با بررسی پژوهش‌های انجام شده (داده‌های ثانویه) در این حوزه به‌صورت کتابخانه‌ای از یک سو و بررسی اسناد بالادستی از سوی دیگر، سؤالاتی برای طرح در پنل و مصاحبه با نخبگان تهیه شد. سؤالات مذکور در قالب پنل یا مصاحبه انفرادی به نخبگان سیاسی و مدیران اجرایی که در سال‌های اخیر در سطح منطقه‌ای یا ملی مسئولیت اجرایی یا سیاست‌گذاری داشته‌اند، نخبگان و مطلعان محلی و محققان حوزه قومی ارائه شده است. برای انتخاب این افراد تلاش شده است از طیف‌های مختلف سیاسی، سطوح مختلف مدیریتی، کلیه مناطق دارای تنوع و نخبگان اجرایی و علمی به‌صورت ترکیبی استفاده شود.

پیشینه تحقیق

پژوهش در حوزه مباحث قومی به دلیل اهمیت و جایگاه مسأله در هویت و همبستگی

ملی و از برخی جهات در امنیت ملی از دیرباز مورد توجه متفکران و محققان حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی سیاسی بوده است. پژوهش‌های متعددی در این زمینه قابل طرح است، اما عمده این آثار به سیاست‌گذاری تنوع قومی و فرهنگی به صورت نظری یا در کشورهای دیگر پرداخته‌اند و بخشی از آنها به طور مستقیم به سیاست‌گذاری تنوع قومی در ایران توجه داشته‌اند. از مهم‌ترین آثار مرتبط با سیاست‌گذاری تنوع قومی در ایران می‌توان به کتاب «مدیریت منازعات قومی در ایران» اثر صالحی امیری، مقاله «بحران قومی و وحدت ملی؛ الگوی سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران» نوشته زندی و گزارش پژوهشی «درآمدی بر مدیریت سیاسی اقوام و اقلیت‌ها در ج.ا.ا.» ترابی اشاره نمود. عمده تأکید این آثار بر رفع منازعات است و از نظر نحوه ورود به مسأله مدیریت تنوع قومی با این مقاله متفاوت است. از سوی دیگر در این آثار تضعیف همبستگی اجتماعی یا ملی به عنوان مسأله محوری تنوع قومی در ایران محسوب می‌شود.

چارچوب نظری تحقیق

با توجه به گسترش ارتباطات و تأثیر عوامل فراملی بر مسائل قومی کشورها مانند نهادهای بین‌المللی، اجرای سیاست‌های همانندساز در عرصه عمل میسر نیست و عملاً حکومت‌ها به سوی اتخاذ سیاست‌های تکثرگرا رهنمون شدند. البته سیاست تکثرگرا با توجه به اقتضائات هر کشور و مبانی ایدئولوژیک آن در قالب نظریات و مدل‌های مختلفی نمود یافته است. برخی از این مدل‌ها عبارتند از مدل چندفرهنگ‌گرایی، مدل ترتیبات نهادی مدل تقسیم قدرت، مدل همگرایی سیاسی، فدرالیسم و سنتریتالیزم است، مدل سیاست‌گذاری اجتماعی و ذیل آن مدل‌های دولت فراگیر، حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی، مدل توسعه و حافظه جمعی. به چند مورد از این مدل‌ها به طور مختصر اشاره می‌شود:

مدل چندفرهنگ‌گرایی با دلالت‌های هنجاری، پیامدهای سیاست‌گذارانه و صبغه ایدئولوژیک خود، پدیده‌ای جدید با عمری حدود نیم قرن است. چندفرهنگ‌گرایی به دلیل خصلت زمینه‌مندی و زمان‌پایگی، فاقد تعریف اجماعی و دلالت‌های معنایی واضح و یکسان است و از این رو مفهومی با مدلول‌های متعدد و معانی متکثر و واجد رهیافت‌ها و الگوهای مختلف به شمار می‌رود. چندفرهنگ‌گرایی دارای اصولی است که برخی از اهم این اصول عبارتند از؛ به رسمیت شناختن تفاوت و نفی هرگونه اعمال

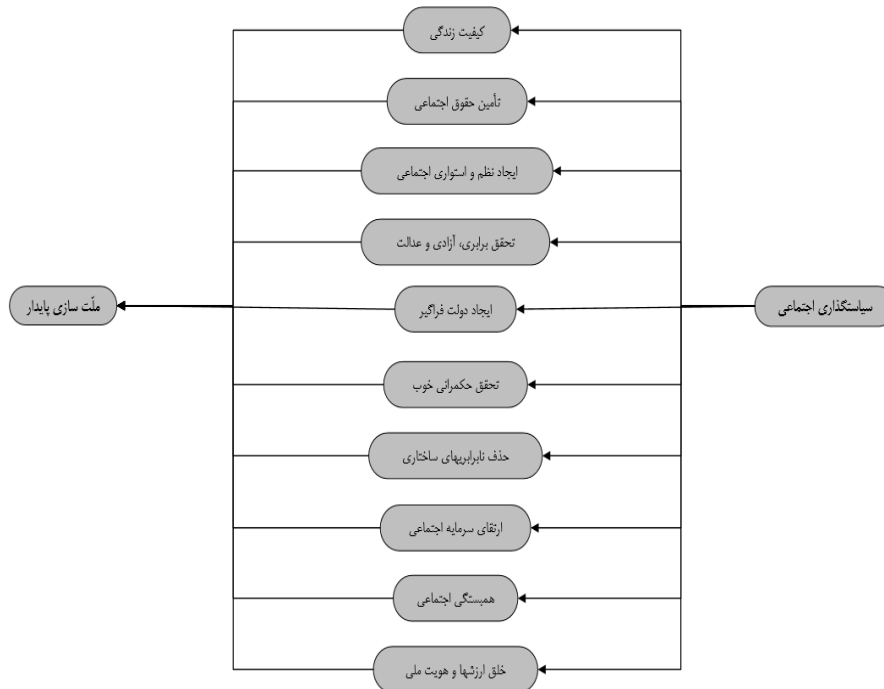
فشار برای همانندشدگی (حق متفاوت بودن و خاص بودگی افراد و گروه‌ها) (چوپکه و لوکس، ۱۹۹۹: ۷؛ کاراکایالی، ۲۰۰۵: ۲)، نفی سلسله مراتب فرادستی - فرودستی در روابط گروه‌های فرهنگی (ویلت، ۱۹۹۸: ۱)، برابری انسان‌ها از حیث کرامت و شأن و نفی تبعیض میان افراد و گروه‌های قومی و فرهنگی (گلدبرگ، ۱۹۹۵: ۷۷)، ایجاد فرصت و امکان دستیابی به برابری سیاسی (کاراکایالی، ۲۰۰۵: ۲)، ایده همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های قومی و فرهنگی (کاشمور، ۱۹۹۶: ۲۴۴)، لزوم حفظ همگرایی و انسجام ملی (ماهاجان، ۱۹۹۸: ۸۶).

نقدهای مختلفی بر سیاست چندفرهنگ‌گرایی وارد است. انتقادهایی نسبت به چندفرهنگ‌گرایی از یک سنخ نبوده و از زوایای معناشناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی و آثار و پیامدهای عملی و اجرایی مطرح شده‌اند. نقطه‌کانونی همه انتقادات این نکته است که چندفرهنگ‌گرایی با برجسته‌سازی هویت‌ها و گروه‌بندی‌های فروملی در جهت تضعیف همبستگی ملی و جامعه‌ای عمل کرده و تشدید بالکانیزه شدن و بازخیزش نوقبیل‌گرایی را موجب می‌شود (کریمی‌مله، ۱۳۸۷: ۱۰۳). به عبارت دیگر می‌توان گفت چندفرهنگ‌گرایی و تنوع آن ابعاد ایدئولوژیک دارد که الزامات عملی خاصی را به همراه دارد و هویتی شدن، منازعه، تقابل و غیریت‌سازی از اهم آنهاست (قیصری، ۱۳۸۶: ۶۸). برخی از محققین نیز سیاست چندفرهنگ‌گرایی را از این منظر مورد نقد قرار می‌دهند که در این سیاست، میان دو مفهوم تنوع فرهنگی و تنوع در درون یک فرهنگ تفاوتی قائل نشده‌اند (قیصری، ۱۳۸۶: ۶۸). برخی از جوامع مانند ایران که دارای فرهنگ ملی محصول فرهنگ مشاعی حاصل از تبادل فرهنگی گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی در سالیان متمادی بوده است، در حوزه تنوع قومی شاهد تنوع در درون یک فرهنگ می‌باشند نه فرهنگ‌های متنوع.

مدل دیگر سیاست‌گذاری تنوع فرهنگی، سیاست‌گذاری اجتماعی است. مجموعه تجربه‌های محققان در این حوزه نشان می‌دهد که در دولت‌های دارای تنوع، سیاست‌های اجتماعی وزن قوی‌تری در ارتقای وحدت و همبستگی ملی دارد. به طور نمونه در بریتانیا دولت رفاه و شهروندی پس از جنگ به عنصر کلیدی وحدت ملی تبدیل شد و اجرای برنامه‌های اجتماعی جدید که به همه شهروندان بریتانیا مزایا و منافع فراگیری اعطاء می‌کرد، به تضمین وفاداری مستمر اسکاتلندی‌ها به بریتانیا کمک زیادی کرد.

سیاست‌گذاری اجتماعی از طریق تحقق عدالت و برابری و حذف نابرابری‌های

ساختاری، ارتقای سرمایه اجتماعی و ایجاد همبستگی اجتماعی و هویت جمعی با فرآیند ارتباط مستقیمی هویت سازی ملی پیدا می کند، موجب پیدایش و تحکیم آن می شود. در این مدل، سیاست گذاری و اعمال آن براساس مقوله شهروندی و بدون توجه به ملاحظات قومی، زبانی، طبقاتی، دینی و مذهبی صورت می پذیرد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۱).



نمودار ۱: مدل سیاست گذاری اجتماعی (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲)

یکی دیگر از نظریه هایی که در باب مدیریت تنوع و ایجاد همبستگی ملی مطرح می باشد، نظریه توسعه به ویژه توسعه اقتصادی است. کارل دویچ از سرآمدان رهیافت نوسازی، با رویکرد ابزارگرایی، توسعه را در ارتباط با اقوام و یکپارچگی ملی مورد بررسی ویژه ای قرار داده است. او معتقد است توسعه یافتگی در جوامع دارای تنوع قومی، بر اثر گسترش ارتباطات، موجب شناخت بیشتر اقوام نسبت به یکدیگر شده و در نتیجه یکپارچگی میان آنان را تقویت خواهد کرد (رجب نسب، ۱۳۸۰: ۱۰۳). در حوزه توسعه اقتصادی نیز، برخی از محققین بر تأثیر گسترش و توسعه اقتصادی بر تضعیف

تضاد قومی تأکید دارند و استدلال می‌کنند که وقتی امکانات بیشتری برای تقسیم وجود دارد، همه بهره‌مند و در نتیجه کمبودهای مادی کمتر می‌شوند و عواملی که می‌تواند به ایجاد تضاد کمک کند، کاهش می‌یابد. به نظر ایسمن، هیچ مطلبی به اندازه توسعه اقتصادی مورد قبول روشنفکران چپ و راست به‌عنوان عامل کاهش نابرابری‌های مذکور نیست (مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۷۷: ۱۸). با این وجود، بروز برخی تنش‌ها در جوامع صنعتی پیشرفته، این باور را با چالش مواجه کرد. واکر کانور در نقد این نظریه معتقد است توسعه‌یافتگی تنش قومی را افزایش داده و منجر به بروز درخواست و تقاضای جدایی‌طلبانه شده است و در واقع توسعه عامل تضعیف همبستگی ملی و در نهایت موجب واگرایی اقوام از دولت مرکزی شده است (میسون، ۱۳۷۸: ۲۰۹). دیدگاه میانه‌ای هم وجود دارد که از دو نظریه قبلی متأخرتر است. این نظریه با توجه به تجربه تاریخی نیمه دوم قرن بیستم برای این عقیده است که توسعه تیغی دو لبه است و بسته به این که در چه جامعه‌ای و با چه فرآیندی طی شود، تأثیر گوناگونی بر وضعیت همبستگی ملی در جامعه چندقومی خواهد گشت. بنابراین با توجه به ساختار جامعه شناختی تاریخی و فرهنگی، چنانچه کشوری در مسیر صحیح توسعه معطوف همبستگی ملی قرار گیرد، همبستگی ملی تقویت خواهد شد. مقصود از مسیر صحیح عبارت است از: توسعه موزون، همه‌جانبه، تدریجی، بومی و عدالت‌جویانه (رجب‌نسب، ۱۳۸۰: ۱۰۳).

در مدل ترتیبات نهادی نیز مدیریت و حل مسأله تنوع از طریق ایجاد ساختارها و نهادهای مشارکتی و سیاسی انجام می‌شود. در مدل دموکراسی اجماعی یا انجمنی به گروه‌های امکان می‌دهد براساس میزان جمعیت خود در صحنه سیاسی نقش‌آفرینی کنند و دارای جایگاه متناسبی با جمعیت خود در استخدام‌های دولتی باشند. این مدل بسیار شکننده است که نمونه بارز این ضعف در کشور لبنان مشهود است. مدل همگرایی سیاسی بیخو پارخ نیز مدل‌های مختلفی را برای مدیریت تنوع قومی در کشورها مطرح می‌کند. در این مدل‌ها بر مسائلی مانند دولت حداقلی و ارجحیت بر رسیدن به توافق فرهنگی تا توافق سیاسی تأکید شده است. پارخ ۳ الگوی فوق را ناقص و ناتمام ارزیابی میکند و معتقد است آنها قادر به برقراری مناسب توازن بین وحدت و تنوع نیستند (پارخ، ۲۰۰۰: ۱۹۴).

هر یک از مدل‌های فوق دارای نواقص برای به‌کارگیری در سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران هستند. بنابراین برخی از محققان مدل بومی برای مدیریت تنوع قومی در ایران ارائه کرده‌اند. این مدل بومی، مدل تکثرگرایی دین‌محور

کریمی یا مدل توسعه‌یافته‌تر آن یعنی مدل سه بُعدی تکثرگرایی و وحدت‌محور دین‌مدار مؤسسه مطالعات ملی است. در مدل تکثرگرایی دین‌محور تعیین سیاست‌های قومی در هر نظام سیاسی متأثر از عوامل و عناصر مهمی از جمله سرشت نظام سیاسی، رویکرد نظام به مردم و نقش و جایگاه آنان، الگوها و آرمان‌های سیاسی - ایدئولوژیک، قوانین مدون به‌ویژه قانون اساسی است. در این مدل سرشت دولت جمهوری اسلامی ایران، مردم‌سالاری دینی است که با دو مؤلفه مردم‌سالاری و دین‌مداری در قالب جمهوریت و اسلامیت نظام که اعتقاد ملت، انقلاب مردم، رهبری انقلاب و رأی ملت آمیخته است، مشخص می‌شود. قانون اساسی نیز علاوه بر شناسایی تنوع، استفاده از زبان محلی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات زبان‌های محلی و قومی در مدارس در کنار زبان فارسی و تمرکززدایی در مدیریت مناطق را مطرح و سمت و سوی سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی ایران را در این عرصه مشخص کرده است. مسئولین جمهوری اسلامی ایران نیز از آغاز بر رفع تبعیض و ظلم و ستم از آحاد مردم به‌ویژه مناطق محروم تأکید داشته‌اند و در این امر هیچ یک از نواحی را بر دیگری ترجیح نداده‌اند. از سوی دیگر سمت و سوی سیاست داخلی نظام با توجه به تنوع، مبتنی بر وحدت، امنیت و یکپارچگی در چارچوب هویت اسلامی - ایرانی است. در مجموع مدل جمهوری اسلامی برای مدیریت تنوع قومی دارای این مؤلفه‌هاست؛ اول تنوع و کثرت بر طبق شرع مقدس، قانون اساسی، نقطه نظرات رهبری انقلاب و دیگر مسئولان، موضوع پذیرفته شده و ممدوحی بوده است. دوم این تنوع در راستای قدرت و تحکیم نظام نقش مهمی تاکنون ایفا کرده است. سوم سمت و سو، جهت و تحدید این تنوع و تکثر، مبتنی بر قیود و الزامات دینی، شرعی و قانونی است (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۷۴). هم‌چنین در این مدل با اقتباس دین‌ناظر به محتوای سیاست‌ها خواهد بود (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۴).

در مجموع این مقاله می‌کوشد براساس مدل اخیر (مدل بومی)، سیاست‌هایی را برای مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران ارائه کند. بر این مبنا اولاً اصل تنوع قومی نه تنها پذیرفته، بلکه به‌عنوان فرصت معرفی شده است. ثانیاً با توجه به رویکرد دینی در مدل سیاست‌گذاری منتخب، بر رویکرد رهبران انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی که برگرفته از مبانی دینی است، توجه شده است. ثالثاً آنچه هدف و غایت سیاست‌گذاری تنوع قومی است، نیل به وحدت ملی است.

یافته‌های تحقیق

۱- شناسایی چشم‌انداز و اهداف ج.ا.ا. برای سیاست‌گذاری تنوع

اهداف و چشم‌انداز نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقوام ایرانی، قرابت و اشتراکات بسیار زیادی با اهداف و چشم‌انداز نظام در حوزه‌های مشابه به‌ویژه حوزه‌های هویتی و فرهنگی دارد. از سوی دیگر چون سیاست‌گذاری تنوع بخشی از سیاست‌های کلان نظام محسوب می‌شود، بالتبع برای استخراج اهداف و چشم‌انداز این سیاست‌گذاری لازم است به اهداف و چشم‌اندازهای مورد اشاره در سخنان رهبران انقلاب اسلامی و برخی از سیاست‌های کلان مانند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور و قانون اساسی توجه کرد.

بررسی سخنان رهبران انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی نشان می‌دهد اهداف و چشم‌اندازهای حوزه فرهنگی و اجتماعی برای سیاست‌گذاری تنوع در چند حوزه قابل احصاء است. با توجه به این که در جمهوری اسلامی ایران دین عامل حقیقی وحدت در جامعه ایرانی است و قانون اساسی نیز در مقام ارائه یک مدل هویتی بر مبنای دین بوده است، الگوی امت واحده به‌عنوان مدل هویتی مبتنی بر دین در جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است. در این الگو ضمن به رسمیت شناختن هویت‌های جمعی، هویتی کلان‌تر و فراملیتی با عنوان امت اسلامی مطرح می‌شود که در واقع امت اسلامی یا امت واحده، مجموعه و واحدی بزرگتر از ملت است که براساس آرمان‌ها و اهداف مشترک دنیای اسلام شکل می‌گیرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۹/۱۴). بر همین اساس در کنار الگوی امت واحده، اولویت بخشی به هویت ملی در مقایسه با سایر هویت‌های فروملی نیز به‌عنوان چشم‌انداز و هدف در این حوزه قابل شناسایی است. به عبارت دیگر هدف جمهوری اسلامی ایران در این بخش، استحکام وحدت ملی و تربیت آحاد جامعه براساس مؤلفه‌های سه‌گانه ایرانی، اسلامی و انقلابی است. الگوی امت واحده و بالتبع گفتمان تقریب و وحدت اسلامی در جمهوری اسلامی نیازمند یک مقدمه فرهنگی و اجتماعی است که خود می‌تواند یک هدف و چشم‌انداز نیز محسوب شود. یکی از موانع شکل‌گیری الگوی امت واحده و تحقق عملی وحدت مذاهب اسلامی حساسیت‌های مذهبی در جامعه ایرانی است، بنابراین باید این حساسیت کاهش یابد. واضح است که در نگاه جمهوری اسلامی ایران وحدت مذاهب اسلامی با پایبندی هر یک از مذاهب به آیین و اعتقادات خود معنادار است.

در حوزه اقتصادی رسیدن به نقطه مطلوب (حداقل میانگین ملی) در حوزه‌های

مختلف توسعه و ارتقاء جایگاه مناطق از حیث درجه توسعه‌یافتگی با رعایت اصل عدالت و تبدیل شدن مناطق دارای تنوع به‌عنوان الگویی برای سایر مناطق کشور و مناطق دارای قوم مشابه در آن سوی مرز از اهداف و چشم‌اندازهای اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مناطق دارای تنوع است. از سوی دیگر با توجه به مزیت‌های نسبی و بعضاً مطلق این مناطق و لزوم اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی، مشخص شدن جایگاه این مناطق در اقتصاد مقاومتی لازم و ضروری است. ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه، رسیدن به اشتغال فراگیر و ارتقاء فرهنگ کار، تولید و کارآفرینی به‌عنوان یکی از مقوم‌های رفع معضل اشتغال در مناطق دارای تنوع قومی از دیگر اهداف و چشم‌اندازهای حوزه اقتصادی است.

تقویت دینداری جامعه و اهتمام به تربیت دینی اقوام و تقویت مبانی دینی آنان براساس مذهب و آئین خود و در واقع افزایش پایبندی اقوام به دین اسلام و مذهب خود یکی از اهداف اساسی جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت تنوع قومی محسوب می‌شود. بررسی سخنان رهبران انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی نشان می‌دهد با توجه به این‌که تکیه‌گاه نظام اسلامی «ایمان عمیق اسلامی» آحاد مردم است و در برخی مناطق دارای تنوع مذهبی، این موضوع در وضع مطلوبی قرار ندارد، توجه به تربیت دینی جامعه مورد نظر بوده است. از سوی دیگر چون سیاست جمهوری اسلامی ایران شیعه‌سازی اهل سنت نیست پس تربیت دینی اهل سنت براساس آئین و مذهب آنها صورت می‌گیرد. البته باید توجه داشت که تربیت دینی اقوام سنی مذهب باید در کنار صیانت آنان از تهاجمات فکری و عقیدتی و تأثیرات برون‌مرزی و بالتبع افراطی (بومی‌مانی) صورت پذیرد. بنابراین بومی‌مانی اقوام ایرانی نیز یکی از اهداف در این حوزه محسوب می‌شود. متدین‌سازی جامعه به‌ویژه اقوام سنی مذهب، آنان را به طور همزمان از دو خطر تفکر تکفیری و فرهنگ لیبرال مصون می‌سازد. محور دیگر در حوزه دین و مذهب تأثیرگذار بودن و محوریت یافتن اقوام ایرانی در میان مذاهب اسلامی در جهان است. این چشم‌انداز که برگرفته از سیاست الهام‌بخشی در جهان اسلام (چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام) است، این محوریت را ابتداءً در حوزه دینی و سپس در سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی و سیاسی مدنظر دارد. به طور مثال در حوزه علمی، مراکز علمی دینی (حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها) ایران باید بتوانند علاوه بر رقابت با مراکز مهم دینی مانند المدینه، الازهر و الزيتونیه در سطح بالاتری مرجعیت یابد.

در حوزه سیاسی الهام‌بخشی در جهان اسلام در کنار فعال و مؤثر بودن در

تأثیرگذاری بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای یک هدف جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت تنوع به شمار می‌رود. به عبارت دیگر سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که جایگاه اقوام ایرانی در رسیدن به این هدف مشخص شود. این نقش‌آفرینی ارتباط تنگاتنگی با تقویت هویت انقلابی اتحاد اقوام ایرانی یا تبدیل شدن استکبار و عوامل داخلی آنها مانند گروه‌های تکفیری و افراطی قومی به‌عنوان دیگر هویتی مشترک آنان دارد. نقش‌آفرینی و حضور مؤثر اقوام ایرانی در دیپلماسی مرزی و بالا بودن همگرایی سیاسی اقوام با جمهوری اسلامی ایران نیز از دیگر اهداف و چشم‌اندازهای سیاسی برای مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران است. از سوی دیگر بروز بحران در کشورهای منطقه که دارای تنوع قومی هستند، می‌تواند بر روند مدیریت تنوع قومی در ایران نیز مؤثر شود، بنابراین حفظ تمامیت ارضی این کشورها مانند عراق، پاکستان و سوریه نیز باید جزء اهداف سیاست‌گذاری لحاظ شود.

برقراری امنیت فراگیر و همه‌جانبه در کل کشور و مناطق دارای تنوع، شکل‌گیری امنیت مردم‌محور در این مناطق، عدم غافلگیری سیستم امنیتی و اطلاعاتی کشور نسبت به حوادث و تحولات حوزه اقوام در داخل و خارج از کشور و دور ساختن تهدیدات امنیتی به طور عام و تهدیدات مرتبط با اقوام و مذاهب به طور خاص از مرزهای کشور به‌عنوان بخشی از اهداف و چشم‌اندازهای امنیتی در حوزه امنیتی است.

۲- سیاست‌های پیشنهادی برای مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران

با بررسی مواضع و سخنان رهبران انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی، سیاست‌های موجود در جمهوری اسلامی ایران و آسیب‌شناسی آنها، تجربیات مثبت کشورهای دارای تنوع قومی و سیاست‌های پیشنهادی سایر طرح مسأله‌های تنوع جمع‌بندی اولیه تهیه و برای نهایی کردن آن، مطالب در اختیار نخبگان و متخصصان حوزه اقوام قرار گرفت. در نهایت نیز جمع‌بندی نظرات کارشناسان از موارد فوق در کنار پیشنهادات آنها در قالب مصاحبه و پنل به‌عنوان سیاست پیشنهادی ارائه شده‌اند. لازم به ذکر است سیاست جامع سیاستی است که به همه ابعاد توجه کند با این وجود در این مقاله به اهم سیاست‌ها در چند حوزه اصلی اشاره شده است.

۲-۱- حوزه فرهنگی - اجتماعی

- گفتمان‌سازی براساس مبانی نظری جمهوری اسلامی ایران.
- تقویت گفتمان وحدت و تقریب در داخل و خارج از کشور با رویکردی آموزشی و فرهنگ‌سازی.

- غلبه گفتمان فرهنگی در مناطقی که تنوع قومی دارند، مانند کردستان فرهنگی.
- هم‌آوردی رسانه‌های متناسب با رسانه‌های فعال در حوزه قومی و مذهبی ایران با بهره‌گیری از ظرفیت و مزیت زبان‌ها و گویش‌های مختلف در رسانه‌ها.
- مدیریت افکار عمومی مردم مناطق دارای تنوع قومی از طرق مختلف به‌ویژه تبلیغ خدمات نظام به این مناطق به روش غیرحساسیت‌زا و رفع احساس تبعیض و سوءتفاهم و بازنمایی مناسب و صحیح از چهره واقعی اقوام در جامعه.
- برجسته‌سازی نقاط مثبت و ایثارگری اقوام در حفظ و دفاع از تمامیت ارضی کشور در مقاطع مختلف و برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای بهره‌گیری از ظرفیت دفاع مقدس به‌عنوان عامل انسجام‌بخش در مناطق دارای تنوع.
- برنامه‌ریزی برای استحکام فرهنگی مناطق مرزی و طراحی‌های لازم برای مصونیت‌بخشی به آحاد اقوام و اهل سنت در برابر تهاجمات فرهنگی، عقیدتی و سیاسی از سوی بیگانگان، گروه‌های افراطی قومی، مذهبی و تکفیری با رویکرد نقش‌آفرینی فرهنگی این مناطق در برابر تهاجمات فرهنگی غربی و جریان تکفیر.
- صیانت از فرهنگ اقوام.
- تقویت فرهنگ کار و ارزش دانستن کار مفید و قانونی.
- توازن‌بخشی به اثرگذاری گروه‌های مرجع اجتماعی در مناطق دارای تنوع قومی (توازن‌بخشی به هرم قدرت اجتماعی). با توجه به اینکه هر یک از گروه‌های مرجع امکان بسیج بخشی از جامعه را دارند لازم است هرم اجتماعی قدرت متوازن شود و از حذف گروه‌های مرجع از سوی سایر گروه‌ها جلوگیری به عمل آید.
- افزایش تحرک اجتماعی در جامعه و افزایش ارتباطات اجتماعی و تبادل فرهنگی اقوام با سایر گروه‌های اجتماعی.
- مدیریت کلان مهاجرت‌ها در کشور برای حفظ جمعیت در پهنای سرزمینی و جلوگیری از حاشیه‌نشینی در پیرامون کلان‌شهرها.

۲-۲- حوزه اقتصادی

- تعیین جایگاه مناطق دارای تنوع در اقتصاد مقاومتی.
- توجه ویژه به توسعه هدفمند، با برنامه، بومی و عدالت‌محور مناطق دارای تنوع از طرق مختلف از جمله تهیه نقشه راه توسعه صنعتی و اقتصادی مناطق متناسب با ظرفیت‌های بومی (طبیعی، نیروی انسانی و علمی) با رویکرد پیوند صنعتی و اقتصادی با اقتصاد ملی و فراملی، توسعه گردشگری در مناطق دارای تنوع (سیاحتی، زیارتی و

راهیان نور)، برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از مرز به‌عنوان فرصت اقتصادی و استفاده از استان‌های معین در امر توسعه این مناطق به جای الحاق بخش‌هایی از یک استان به استان دیگر.

۲-۳- حوزه دین و مذهب

- ارتقاء نقش و جایگاه دین در مدیریت مناطق دارای تنوع قومی و مذهبی از طرق مختلف از جمله تقویت دین‌گرایی در جامعه قومی و مذهبی براساس آئین و مذهب خود با رعایت مسأله بومی‌مانی، تقویت سیستم حوزوی و دینی علماء شیعه و اهل سنت در مناطقی که تنوع قومی و مذهبی دارند، به‌ویژه در غرب کشور و تقویت حضور علماء در مناطق دارای تنوع قومی (به‌طور همزمان در میان شیعیان و اهل سنت) و بازگشت طلاب به مناطق خود.

- بومی‌سازی تربیت طلاب و روحانیت شیعه و سنی به‌عنوان گامی از بومی‌مانی اقوام و اهل سنت با بهره‌گیری از روش‌هایی مانند بسترسازی برای اولویت‌بخشی به آموزش طلاب اهل سنت در داخل (تربیت علمای اهل سنت در داخل)، تربیت طلاب شیعه و اهل سنت ایرانی در تراز انقلاب اسلامی و بهره‌گیری از آنها در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی.

- تأثیرگذاری بر روند تربیت علمای دینی جهان اسلام بر اساس اهداف جمهوری اسلامی ایران از طریق تبدیل ایران به مرکز علم دینی در حوزه مذاهب اسلامی (قطب حوزوی و دانشگاهی برای مذاهب اسلامی) با توان رقابت با مراکز مهم دینی در جهان اسلام مانند المدینه، الازهر و الزيتونیه.

۲-۴- حوزه سیاسی

- تقویت هویت انقلابی در کنار هویت ملی و دینی آحاد اقوام و مذاهب در ایران.
- ارتقاء سطح همگرایی سیاسی اقوام با نظام و تقویت حس مشارکت اقوام در عرصه‌های مختلف کشور.

- رعایت اصل شایسته‌سالاری در انتصابات و به‌کارگیری افراد در مناصب و مشاغل و کادرسازی از میان اقوام برای فعالیت در عرصه‌های مختلف کشور.

- رفع خلاءهای قانونی در خصوص مقابله با نفرت‌پراکنی قومی و مذهبی و اقدام بر علیه تمامیت ارضی و هویت ملی (جرم‌انگاری این موضوع).

- اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مناسب برای مقابله با گروه‌های تکفیری و نظام سلطه و نقشه‌های آنان از جمله تشکیل جبهه واحد مذاهب اسلامی ضد تکفیر و

ضد استکبار، حمایت از تمامیت ارضی همه کشورهای دارای تنوع قومی در منطقه مانند عراق، سوریه و پاکستان، طراحی مناسب برای مدیریت مسائل حقوق بشری در حوزه اقوام و مذاهب در عرصه بین‌الملل و بهره‌گیری از ظرفیت اقوام و مذاهب در پیشبرد اهداف در این حوزه، فعال‌سازی و تقویت دیپلماسی مرزی در حوزه مختلف (فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی، سلامت).

۵-۲- حوزه امنیتی

- رصد و شناخت سیاست‌ها و برنامه‌های گروه‌های افراطی و تجزیه‌طلب، کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی در حوزه قومی و مذهبی (رصد هم‌اوردی) و رصد تحولات مسائل داخلی و خارجی برای اقدام به موقع.
- جلوگیری از رشد و تحرکات گروه‌ها و تشکل‌های افراطی قومی و مذهبی به‌ویژه جریان‌های افراطی شیعه و سنی و بسترزدایی از فعالیت‌های گروه‌های تجزیه‌طلب و افراطی قومی و مذهبی.
- بهره‌گیری از ظرفیت مردم در تولید امنیت از طریق احیاء و تقویت مکتب نرم‌افزاری و مردم‌محور تولید امنیت.
- دور ساختن تهدیدات امنیتی از مرزهای کشور.

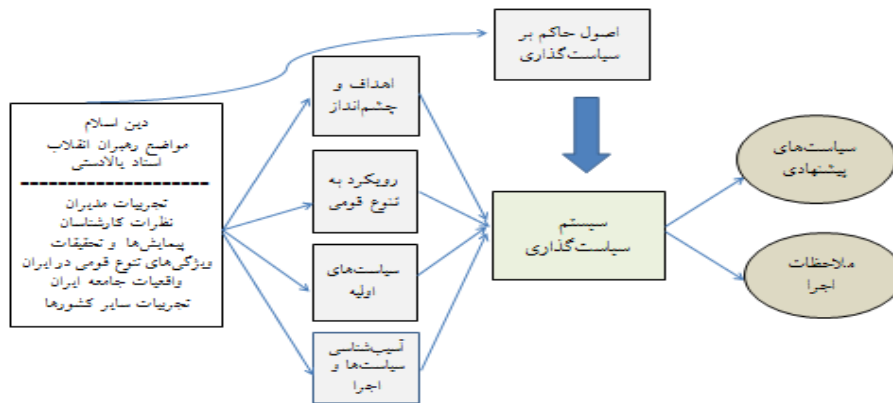
نتیجه‌گیری

تنوع یک پدیده جهانشمول است و بخش زیادی از کشورهای جهان با این پدیده مواجه هستند. هر یک از کشورها با توجه به ساختار نظام سیاسی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تنوع و بالتبع ویژگی‌های تنوع اقدام به سیاست‌گذاری برای مدیریت این تنوع کرده‌اند. به دلیل تفاوت در موارد فوق در هریک از کشورها مدل و سیاست‌های خاصی برای مدیریت تنوع قومی پیش‌بینی شده است که البته در برخی از موارد نیز با مدل‌ها و سیاست‌های سایر کشورها دارای نقاط اشتراکی است. بر این اساس، پدیده تنوع قومی در ایران از جهاتی با پدیده‌های مشابه در جهان دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که لازم است در عرصه سیاست‌گذاری به آن توجه شود.

یکی از مسائل مهم در سیاست‌گذاری تبیین دقیق مسأله است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که تبیین مسأله در واقع مسیر سیاست‌گذاری را به مثابه یک ریل مشخص می‌کند. بنابراین در این مقاله تلاش شد تبیین دقیقی از مسأله تنوع قومی در ایران عرضه شود. شاید یکی از چالش‌های جدی این مقاله در همین قسمت نهفته

باشد. نگاه فرصت و ظرفیت به تنوع ممکن است از سوی برخی از محققان مورد انتقاد قرار بگیرد که با واقعیت پدیده تنوع در ایران فاصله دارد، اما باید به دلایل انتخاب این طرح مسأله توجه جدی‌تری کرد تا تبیین مسأله قابل فهم باشد. وقتی به ویژگی‌های تنوع در ایران توجه می‌کنیم مشخص می‌شود این پدیده از یک بازه زمانی به بعد به عنوان یک مسأله مطرح شده است. به عبارت دیگر این پدیده که، سابقه بسیار طولانی و کهن در جامعه ایرانی دارد، فی‌نفسه مسأله نبوده است و عوامل بیرون از تنوع قومی زمینه مسأله شدن آن را فراهم آورده‌اند. در ضمن باید افزود که این طرح مسأله نافی وجود برخی مشکلات، آسیب‌ها و چالش‌ها در حوزه تنوع قومی نیست، اما برای حل یک مسأله، اگر به رفع مشکلات و آسیب‌های موجود توجه کنیم و توجهی به حقیقت تنوع قومی در ایران به عنوان یک حقیقت تاریخی نداشته باشیم، راه‌کارها و سیاست‌های پیشنهادی فقط به رفع معلول‌ها توجه می‌کند. رویکردهای غیرفرصتی به تنوع قومی منجر خواهد شد، مسأله حل نشده باقی بماند؛ زیرا با حل بخشی از مسأله مسائل جدیدی در حوزه‌های دیگر ایجاد می‌شوند. در واقع این رویکردها دائماً در حال حل مسأله‌های جدیدی هستند که بر پایه تنوع قومی تولید شده‌اند. رویکرد فرصتی به تنوع قومی این امکان را به نظام سیاسی می‌دهد که از این چرخه باطل گریخته و در یک حرکت رو به جلو سیاست‌هایی را پیشنهاد دهد که ضمن حل مسائل موجود، زمینه را برای شکل‌گیری مسائل جدید به حداقل برساند. این رویکرد در سخنان و مواضع آشکار و پنهان رهبران انقلاب اسلامی و اسناد بالادستی اعم از عادی و طبقه‌بندی شده، کاملاً نمود و تجلی دارد. با این مبنا، این مقاله رویکرد فرصت محور را برای تبیین تنوع قومی در ایران انتخاب کرده است. هر چند ادعا ندارد با اجرای سیاست‌های پیشنهادی در این مقاله، مسأله تنوع قومی حل خواهد شد و دیگر تنوع قومی مسأله نظام جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود. بلکه هدف این مقاله ترویج گفتمان جدید در سطح جامعه علمی کشور و در نهایت نهادهای سیاست‌گذار است که در واقع گفتمان اصلی جمهوری اسلامی ایران نیز است. در این مقاله تلاش شد برای نشان دادن اهمیت سیاست‌گذاری همه جانبه، در حوزه‌های مختلف اقدام به پیشنهاد سیاست کند زیرا سیاست‌گذاری بخشی و عدم توجه به سیاست‌گذاری جامع در این زمینه نه تنها مسأله تنوع قومی در ایران را حل نخواهد کرد، بلکه بر پیچیدگی آن خواهد افزود. برای رسیدن به سیاست‌های پیشنهادی روند زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد که به بخشی از این روند در این مقاله اشاره شد:

نمودار شماره ۲: روند سیاست‌گذاری تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران



منابع

- قرآن کریم
- بیانات مقام معظم رهبری در سایت www.Khamenei.ir
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۰)؛ *مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران در مسائل اجتماعی ایران*، (مجموعه مقالات)، ج ۳، تهران: آگه
- رجب‌نسب، حمید (۱۳۸۰)؛ «بررسی تئوریک توسعه، گوناگونی قومی و همبستگی ملی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۳، ش ۹، صص ۱۰۱-۱۳۲.
- زندی، ابراهیم (۱۳۸۰)؛ «بحران قومی و وحدت ملی؛ الگوی سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران»، *فرهنگ اندیشه*، س ۱، ش ۴ و ۳، صص ۴۵-۸۳.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۷)؛ *مدیریت تنوع فرهنگی (امریکا، لبنان، ترکیه، هند، بریتانیا و پاکستان)*، تهران: تمدن ایرانی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- فیضی، نورالله (۱۳۸۶)؛ *تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی*، در مجموعه مقالات تنوع فرهنگی و همبستگی ملی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- کریمی، علی و همکاران (۱۳۹۳)؛ «سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت‌سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۵۸، صص ۲۵-۴۸.
- کریمی‌مله، علی (۱۳۸۷) *مدیریت سیاسی جوامع چند فرهنگی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- کهنه‌پوشی، مصلح (۱۳۸۳)؛ تبیین قومی در کردستان ایران (بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷)، رساله کارشناسی‌ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، استاد راهنما دکتر حمیدرضا جلایی‌پور، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مؤسسه مطالعات ملی (۱۳۷۷)؛ *نظریه روابط قومی*، گزارش‌های تحقیقاتی.
- میسون، تی. دیوید (۱۳۷۸)؛ *قومیت و سیاست*، در مجموعه گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، ج ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- Cashmore, Ellis (1996); *Dictionary of Race and Ethnic Relations*, 4th edition, London: Routledge.
- Dunn, N. William (2012); *Public Policy Analysis*, Fifth Edition, New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- Goldberg, David T (1995); *Multiculturalism; A Critical Reader*, London: Blackwell Publishing Ltd.
- Joppke, Christian and Lukes, Steven (1999); *Multicultural Questions*, London: Oxford University Press.
- Karakayali, Serhat (2005); "The Limits of Multiculturalism, Transit, Migration", *Culture and the Nation State*, Volume 1, Issue1, PP 66-72.
- Mahajan, Gurpreet (1998); *Identities and Rights, Aspects of Liberal Democracy in India*, London: Oxford University Press.
- Parekh, Bhikhu (2000); *Rethinking Multiculturalism: Cultural Diversity and Political Theory*, London: Palgrave.
- Willett, Cynthia (1998); *Theorizing Multiculturalism: A Guide to the Current Debate*, USA: Blackwell publisher.

